

خونی که مردانگی را سیاه کرد

هنوز زخم افکار عمومی که به دنبال شهادت سرهنگ دوم علی اکبر رنجبر در استان فارس التیام نیافته است که زخم دیگری بر پیکر افکار عمومی وارد می شود . جوانی دیوانه وار با همدستی برادرش سر همسر 17 ساله خود را که تازه از ترکیه به اهواز آمده است ، از تن جدا کرده و با آلت قتل و سربریده همسرش مغرورانه و خنده کنان در خیابان های شهر می گردد . چند دقیقه ای از این رویداد تلخ نگذشته است که شهروند خبرنگاران اهوازی فیلم و عکس های خود را در شبکه های اجتماعی منتشر می کنند و افکار عمومی ملتهب از این رویداد سیاه می شود و خبرگزاری رکنا نیز آن را منتشر می کند .

ساعتی از این ماجرا نگذشته است که سرهنگ کارآگاه علی حسینی ، رییس پلیس فتا خوزستان انتشار فیلم و عکس این حادثه را به هر نوع و به هر شکلی در فضای مجازی را جرم اعلام می کند و با هدف جلوگیری از جریحه دار شدن عواطف و احساسات عمومی جامعه خواستار عدم انتشار آن می گردد تا آن جا که رکنا نیز به دلیل انتشار بدون پوشش فیلم این حادثه توقیف می گردد .

ماشالله شمس الواعظین درباره انتشار عکس و فیلم این دست وقایع با طرح یک سوال و با اشاره به اخلاق حرفه ای روزنامه نگاری می نویسد: از نظر اخلاق حرفه ای روزنامه نگاری ، رسانه به هیچ عنوان حق انتشار تصاویر مربوط به عفت عمومی و خشونت عریان از قبیل نشان دادن صحنه تیراندازی ، نشان دادن تفنگ ، نشان دادن شلیک گلوله و نشان دادن محل اصابت گلوله بر جسم انسان را ندارد . چرا ؟ چون انتشار این تصاویر ، ترویج جنبه های خلاف اخلاق عمومی در افکار اجتماعی است و اصلا مهم نیست کدام رسانه تصاویر خشونت بار مربوط به قاتل اهوازی را منتشر کرد . هر رسانه ای بوده ، می خواسته با اقدامی کودکانه ، سبقت خبری بگیرد در حالی که از این نکته بسیار مهم غافل بوده که آن چه با انتشار این تصاویر و فیلم ترویج می کند ، دامن بسیاری از ارزش های اجتماع را خواهد گرفت . انتشار تصاویر و فیلم های مشابه ، به عادی سازی جنایت کمک می کند حتی اگر هدف یک رسانه ، بازدارندگی جرم با مستند سازی یک رخداد خشونت بار باشد ، باید سر بریده مقتول ، ترام شودهرچند که من حتی با ترام کردن تصاویر خشن هم چندان موافق نیستم چون بازهم به ترویج و عادی سازی چنین رویدادهایی کمک می کنیم .



دکتر عبدالعظیم موسوی ، مدیرمسئول روزنامه ولایت درباره این رویداد و توقیف خبرگزاری رکنا معتقد است : مساله قتل از انتشار عکس های غیر معمول و آزاردهنده جداست. این که یک بیماری فرهنگی باعث می شود چنین قتلی اتفاق بیفتد یا این که زمینه های فرهنگی و حقوقی آن چیست؛ یک بحث است . اما این که عکس سر بریده را وسط میدان بگیرند و منتشر کنند؛ بحث دیگری است.

قطعا رکنا کار اشتباهی کرده و کسانی که چنین عکس یا فیلمی را منتشر کردند از الفبای اصول و مبانی رسانه هم نا آگاه بودند. اما این تردیدها و شبهه های سیاسی عوام پسند که خوب رکنا را توقیف کردید مشکل قتل های ناموسی حل شد؟ یک تاکتیک ضد رسانه ای و ضد حقوقی است. بنابر این بررسی عوامل پدید آمدن این فجایع لازم است. اما مشوش کردن افکار عمومی با انتشار چنین فیلم ها و عکس هایی قطعا غیرقانونی و غیر اخلاقی است. حتی رسانه های بی در و پیکر مجازی هم فیلترهایی برای این گونه مسایل دارند. ضمن این که قبح زدایی از این اعمال قطعا موجب شیوع آن خواهد شد.

آرش شایسته نیا ، مدیر مسئول **با بگاہ خیری " وقایع خیری "** درباره انتشار خبر تصویری این رویداد می گوید: بررسی انتشار این خبر را باید از دو منظر واکاوی و مورد توجه قرار داد . منظر نخست انتشار این خبر از سوی مردم است که به عنوان شهروند خبر ، با ارسال فیلم ، عکس و یا نوشته در فضای مجازی به شکلی کار رسانه ای غیر رسمی انجام می دهند و در منظر دیگر، رسانه های رسمی و دارای مجوز قرار دارند که به فعالیت خبری رسمی مشغول فعالیت اند . بی شک دسته اول یا همان شهروند خبرنگاران نیازمند آموزش هستند . آموزش هایی که باید در قالب آموزش سواد رسانه ، از طریق مراجع مرتبط با رسانه یا حتی صدا و سیما صورت پذیرد اما در رابطه با فعالان رسانه های

دسته دوم ، مدیران مسوول رسانه ها ، سردبیران ، دبیران سرویس و حتی خبرنگاران باید علاوه بر کسب آموزش های مرتبط درحوزه رسانه ، به قانون مطبوعات و رسانه های مجازی توجه جدی داشته و بر اساس آن عمل نمایند .

این فعال رسانه ای با اشاره بر این که در طول چند سال گذشته آمار قتل و جنایت های خانوادگی که با عنوان "قتل های ناموسی " اتفاق افتاده است ، رو به افزایش بوده است تاکید می کند : نیازمند تغییرات اساسی در قوانین جزایی کشور هستیم تا بر اساس همین تغییرات ، مرتکبین جنایت متحمل مجازات سخت و سنگین شوند . از سوی دیگر نیز تمام رسانه ها با استفاده از ظرفیت های رسانه ای خود به [ارتقای سلامت اجتماعی](#) افراد جامعه تلاش نمایند تا این اتفاقات روی نداده و یا در حد ، حداقل باشد .

[دکتر امیر بشیر نژاد](#) از فعالان رسانه های مجازی درباره انتشار عکس و فیلم های حادثه اهواز می گوید : قبل از این که در خصوص انتشار فیلم قتل ها و مخصوصا قتل های ناموسی در رسانه بپردازیم باید این دغدغه را همه و به ویژه مسوولان و متولیان امر در این رابطه داشته باشند که با این اتفاقات چه باید کرد؟ با جامعه ای که خشونت در آن روز به روز عادی تر می شود ؛ آیا جان آدم ها ارزش ندارد که در این خصوص از جامعه شناسان، روان شناسان و آسیب شناسان اجتماعی کمک بگیریم؟ آیا نیاز به بازنگری و اصلاح قوانین نیست؟ بدون تردید انتشار فیلم قتل اصلا کار پسندیده ای نیست و حتما به تنهایی بازخورد مثبتی نخواهد داشت اما ورود رسانه ها و آگاهی بخشی به افکار عمومی با کمک کارشناسان و افراد متخصص و متعهد که رنج جامعه ، رنج و دغدغه آنها است می تواند به کاهش چنین اتفاقات ناگوار و تلخی که احساسات قاطبه جامعه را جریحه دار می کند، کمک کند.

وی با اشاره به قتل [عروس اهوازی](#) می گوید: در این سال ها قتل های زیادی از این دست اتفاق افتاده است که قتل رومینا اشرفی ، دختر نوجوان 13 ساله به دست پدرش با توجه به توسعه شبکه های اجتماعی، تا مدت زیادی جامعه را تحت تاثیر قرار داد . آن چه ضرورت دارد و مدیران رسانه ها باید در دستور کار قرار دهند این است که تنها خبررسانی از قتل و نشان دادن فیلم و عکس نباید رسالت رسانه ها باشد .خبر به تنهایی چیزی را درست نمی کند و چه بسا تاثیر منفی آن به مراتب بیش تر باشد بلکه باید با بهره گیری از کارشناسان و میزگردهای مختلف در طول سال برای کاهش جرایم و

مخصوصاً قتل‌های این‌چنینی اقدام کرد. متأسفانه این اتفاقات دلخراش و خشن الان به کرات اتفاق می‌افتد و به همان سرعتی که اخبارش نشر پیدا می‌کند به همان سرعت هم به بوته فراموشی سپرده می‌شود که انتظار این است متولیان فرهنگی و اجتماعی در این خصوص حساسیت ویژه‌ای داشته باشند. علاج کار در پیشگیری از رخ دادن چنین حوادثی است. رسانه‌ها هم امروز باید با یک رویکرد متفاوت و رسالت جدیدی در این قضایا ورود کنند و تیغ آنها باید سلامت جامعه را تضمین کند.

این مدرس دانشگاه در پایان تأکید می‌کند: از مسوولین و کارشناسان هم توقع این است که ارتباط مستمر و تعامل دوسویه مناسبی با رسانه‌ها داشته باشند چراکه آگاهی بخشی به جامعه و افکار عمومی مخصوصاً در شرایط اقتصادی اجتماعی امروز یک ضرورت به شمار می‌رود که صدالبته نباید به سادگی از کنار آن گذشت.

دکتر مجید ابهری، آسیب‌شناس اجتماعی و رفتارشناس درباره این رویداد معتقد است: در چند روز اخیر از در و دیوار جامعه ما خشونت می‌بارد. انسان با دیدن چنین صحنه‌ای به یاد فیلم‌های چینی می‌افتد. این‌گونه صحنه‌ها فقط در فیلم‌ها دیده می‌شود اما اکنون در جامعه با کمال تأسف این‌گونه صحنه‌ها را ملاحظه می‌کنیم. نوجوانان و جوانان با دیدن و شنیدن این‌گونه حوادث تلخ و ناگوار به سوی خشونت گرایش پیدا می‌کنند.



دکتر رویا درویش پیشه ریشه حادثه تلخ قتل عروس اهوازی را در کجرویهای اجتماعی می‌داند. این مشاور خانواده در ادامه می‌گوید: خانواده یکی از گروه‌هایی است که رفتار فرد را تا حدودی معین می‌کند.

کند و به آن شکل و جهت می بخشد. اگر اعضای خانواده درست تربیت نشده باشند بی شک همین عدم تربیت صحیح می تواند موجبات گرایش فرد به کجرویهای اجتماعی شود.

این مدرس دانشگاه معتقد است: خانواده باید به عنوان یک عامل کنترل غیررسمی جدی گرفته شود چراکه علت و ریشه بسیاری از آسیب ها ی اجتماعی، جرم ها و جنایت ها در از هم پاشیدگی کانون خانواده و بالطبع عدم تربیت صحیح افراد در درون خانواده باشد. خانواده و جامعه رابطه تنگاتنگی باهم دارند.

دکتر عفت نوذری، مدیر مرکز مشاوره آتیه شهریار نیز قتل ها را نوعی کجروی اجتماعی می داند و می گوید: در به وجود آمدن یک پدیده یا معضل اجتماعی عوامل مختلفی دخالت دارند که البته این عوامل در هر جامعه ای باهم تفاوت دارد.

این روانشناس تربیتی ادامه می دهد: در جامعه ما علت کجرویها را ابتدا باید در خانواده جستجو کرد، در رابطه والد با فرزند، رابطه والد با والد وحتى در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده ها که برای از بین بردن این کجرویها باید به آموزش مهارت های زندگی و کنترل گری بیرونی بیش از پیش توجه داشت.

حسن لطفی، نویسنده و کارگردان سینما نیز در پاسخ به این سوال که آیا پخش تصاویر صحنه های قتل در یک فیلم می تواند خود عاملی برای ترویج قتل در جامعه باشد؟ می گوید: بسته به نوع فیلم و کارکرد آن دارد. لزوما نشان دادن صحنه های جرم، جنایت و حتی قتل به معنای این نیست که فیلم و کارگردان آن قصد آموزش جنایت را دارند. قطعاً نمی توانیم بگوییم که یک فیلم می تواند صد در صد مردم را به سوی خشونت می برد و یا از خشونت جلوگیری می نماید. بسته به نوع فیلم است که موضوع را تعیین می کند.

این منتقد سینما در ادامه و در پاسخ به این سوال که به نظر شما چرا فیلمسازان ما جهت ساخت فیلم یا سناریست ها برای سناریو نویس به بحث قتل و آدم کشی در جامعه نمی پردازند؟ با اشاره به فیلم خانه پدری کیانوش عیاری می گوید: می روند ولی با احتیاط چون دچار تیغ سانسور می شوند. فیلمسازان وقتی سرنوشت فیلم خانه پدری را می بینند قاعدتاً دست به عصا می شوند.

لطفی درباره خانه پدری می گوید: موضوع فیلم خانه پدری مساله دخترکشی است و اتفاقاً به نوعیو به شکلی همانند همین اتفاقی که

در اهواز برای عروس 17 ساله افتاد . فیلم به بیننده هشدار می دهد . هشدار می دهد که باورهای غلط و یک سری تفکرات نادرست که در بخشی از یک جامعه وجود دارد می تواند انسان را به آدم کش تبدیل کند که خیلی بی رحمانه عزیزترین کس خود را می کشد بدون این که به او فرصت پاسخ دادن بدهد .

لطفی ادامه می دهد : در خانه پدری بیننده با دخترمظلومی روبرو می شود که از به دست پدرش به قتل می رسد و حتی دیگران هم به او کمک می کنند . دیگرانی که انگار جامعه با باورهای غلطش برایشان خیلی اهمیت دارد . این که می گویم جامعه با باورهای غلطش بعضی وقت ها انسان ها در مقام قاضی قرار می گیرند بدون این که در مورد یک اتفاق بتوانند نظر بدهند . بدون این که حتی شرایط نظر دادن را داشته باشند . بدون این که عدالتش را داشته باشند و بدون این که اتفاق را به درستی دیده باشند . بعضی اوقات یک سوئ تفاهم باعث می شود تا نسبت های ناروایی به یک انسان بدهند که وجود ندارد و این در خانه پدری دیده می شود .

وی در ادامه می گوید: من فکر می کنم همین اتفاق تلخ می تواند سوژه ای برای ساخت فیلم باشد . فیلمی به سفارش قوه قضائیه ، یا به سفارش قوه مقننه و قوه مجریه . فیلمی که تماشاگر آن قضات ، تصمیم گیران و برنامه ریزان کشور باشند . فیلمی قدرتمند که با آزادی کامل حرف بزند و مسائل اجتماعی را بازگو کند . وقتی برنامه ریزان ما به موضوع واقف شده و آن را درک کنند قاعدتا در ریشه یابی و حل مشکل می توانند به نتایج بهتری برسند .

لطفی در پایان تاکید می کند : سینما قاعدتا این توانایی را دارد که در مقام یک منتقد خوب اجتماعی قرار بگیرد و بتواند شرایط را به سمت بهتر شدن هدایت کند .